

## سنجش خاستگاه و نقش طبقات متعدد اجتماعی در جنبش ملی شدن صنعت نفت

محمد امیر شیخ نوری<sup>۱</sup>

شیدا صابری<sup>۲</sup>

### چکیده

تاریخ معاصر ایران از نگاه سیاسی در بردارنده گفتمان‌های بسیاری است. گفتمان‌های متعارضی که پیامد نوعی شناخت نسبت به شرایط جامعه بوده است. در این راستا، جنبش‌های سیاسی و اجتماعی، مهم‌ترین نمونه چنین گفتمان‌هایی به شمار می‌روند. جنبش ملی شدن نفت در تاریخ ایران، از جمله جنبش‌های اجتماعی است که با رویکرد و گفتمان ضد استعماری و ضد قدرت شکل گرفت. این جنبش، در ابتدای امر، نگاهی توسعه‌گرا به سیاست داشت و از این رو، خواهان انتخابات آزاد و حل مسأله نفت به نفع مردم بود و لذا، توانست طبقات بسیاری را در کنار یک‌دیگر قرار دهد. بررسی خاستگاه اجتماعی و نقش سیاسی این طبقات در جنبش ملی شدن صنعت نفت، سؤال اصلی این مقاله است. احتمالاً هر یک از طبقات اجتماعی براساس خاستگاه اجتماعی و با توجه به طبقه اجتماعی خود؛ اشراف، متوسط سنتی و متوسط جدید، در پیشبرد اهداف نهضت ملی شدن صنعت نفت نقش داشتند. روش تحقیق، توصیفی و تحلیلی است و هدف، شناساندن دلیل شکست یک جنبش و ممانعت از تکرار تاریخی آن است. اثبات هم‌وردی قدرت اجتماعی در غلبه بر استعمار و اثبات همراهی مردم در افزایش قدرت سیاسی از یافته‌های مقاله حاضر است.

### واژگان کلیدی

طبقات اجتماعی، جبهه ملی، مصدق، استعمار انگلیس، ملی شدن نفت.

۱. استاد گروه تاریخ دانشگاه الزهراء (نویسنده مسئول). رایانامه: Dr\_sheikhnuri2000@yahoo.com

۲. دانش‌پژوه دکترای تاریخ معاصر دانشگاه الزهراء. رایانامه: sheida.abani@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۱۳۹۱/۹/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۷/۱

## مقدمه

در تاریخ معاصر ایران، جنبش‌های اجتماعی در راستای تحقق آرمان‌ها و انگیزه‌های سیاسی و اجتماعی به منظور بهبود وضعیت سیاسی که نارضایتی عمومی را در درون داشت، صورت گرفت. جنبش اجتماعی یک همگونی جمعی برای رسیدن به هدفی مشترک و نفع جمعی بوده و پیامد خواسته مشترک، جماعت بهم پیوسته است. جماعت، رهبر و ایده سه محور اصلی در ترکیب باهم، نیروی محرک و شتاب دهنده یک جنبش اجتماعی تلقی می‌شوند. در نظر بسیاری، جنبش‌های اجتماعی حرکت‌هایی جمعی با بسیج افراد بر اساس اعتقادی که کنش جمعی را از نو تعریف می‌کند، دانسته می‌شود (زاهد، ۱۳۸۱: ۱۷) و یا نوعی فعالیت جمعی برای استقرار نظم جدیدی در زندگی. (Blumer, 1969: 199)

جنبش ملی شدن صنعت نفت یکی از آن وقایع و رویدادهایی است که آخرین روز گردش سال (۲۹ اسفند) یادآور چگونگی پیدایش آن است. در بررسی جنبش‌ها، یکی از مهم‌ترین مسائل، پدیدآورندگان و مجریان آن است که به ایفای نقش مهم می‌پردازند. پس از آن، شرایط و زمینه‌های اجتماعی طبقات و گروه‌های مؤثر در آن و در نهایت، انگیزه‌ها و عوامل، از اهمیت برخوردارند. به منظور راهیابی به این شاخص‌ها و توضیح آن‌ها، بررسی روند شکل‌گیری اعتراضات مربوط به ملی شدن نفت اجتناب‌ناپذیر است تا از میان آن، خاستگاه و نقش طبقات و انگیزه‌های آن‌ها، مورد مطالعه قرار گیرد.

## زمینه‌های شکل‌گیری جبهه ملی و طرح ملی شدن نفت

در نیمه مجلس پانزدهم و شروع مجلس شانزدهم یعنی حدود سال ۱۳۲۸ بود که گروه‌هایی پدید آمدند که ائتلاف آن‌ها منجر به صدور بیانیه و تدوین یک اساسنامه گردید. این تشکل، پایه نخستین جبهه ملی بود که شناسایی هسته مرکزی و پوسته آن، به ما در شناخت طبقات سهیم در آن یاری خواهد کرد و بیش از آن، ما را با انگیزه شکل‌گیری، نوع و رویکرد طبقات شریک در آن آشنا می‌سازد. در مهر ۱۳۲۸ و در پی سفر محمدرضا شاه به آمریکا بود که گروهی به رهبری دکتر محمد مصدق که با شاه و دربار درافتاده بود به محوطه کاخ وارد می‌شوند. انگیزه ورود آن‌ها به کاخ، نبود انتخابات آزاد و مسأله نفت بود، اما مسأله مهم، پایگاه طبقاتی پیشروان (سیاست‌مداران، تحصیل‌کردگان و بازاریان) جنبش ملی شدن نفت است؛ این طبقات شامل چهره‌هایی چون شمس‌الدین امیر

علائی (اشراف‌زاده حقوق‌دان)، یوسف مشار اعظم (از طبقه متوسط شهری) و... مرتبطین با بازار مانند: مظفر بقایی (حقوق‌دانی که هواداران اندک بازاری داشت)، حسین مکی (جوانی کارمند که از خانواده بازاری بود) و حائری‌زاده روحانی مرتبط با بازار تهران و یزد و تحصیل‌کردگان و تندروهای جوان و معروف به روشن‌فکران فارسی‌زبان متمایل به غرب<sup>۱</sup> مثل کریم سنجابی (اشراف ایلاتی) و احمد زیرک‌زاده. (طبقه متوسط شهری)

جدیت این گروه باعث شد که دربار تصمیم به حذف بی‌نظمی‌های انتخاباتی بگیرد. پس از آن، این‌ها در خانه دکتر محمد مصدق جمع شدند و به این نتیجه رسیدند که با تدوین اهداف، گروهی را به نام جبهه ملی تشکیل دهند. به نظر می‌رسید لقب «ملی» آستن رویدادهایی باشد که دیگر مبتنی بر فرضیه «موازنه مثبت»<sup>۲</sup> در اعطای امتیاز نباشد بلکه به حفظ منافع ملی که سال‌ها به تاراج می‌رفت، پردازد. در اولین بیانیه، سخن از توسعه سیاسی، برگزاری انتخابات درست، لغو حکومت نظامی و آزادی مطبوعات بود. (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۳۱۱) احزاب و گروه‌های دیگر با گسترده شدن جبهه و شکل‌گیری و تدوین اساسنامه، به آن پیوستند از جمله: حزب ایران، حزب زحمت‌کشان، حزب ملت ایران و جامعه مجاهدین اسلام. بنابراین، کالبدشکافی احزاب و گروه‌ها، ریشه‌یابی در افراد، درک خواسته آن‌ها در گرو فهم انگیزه‌های آنان است.

پایگاه حزب ایران در میان مهندسان، فارغ‌التحصیلان دانشگاه، زنان تحصیل‌کرده و دانشجویان قرار داشت. اساسنامه خود را با برقراری استقلال ملی، حفظ سلطنت مشروطه، خلع ید از اشرافیت زمین‌دار و استقرار جامعه سوسیالیستی<sup>۳</sup> تدوین کرده بود، اما حزب زحمت‌کشان که بقایی و خلیل ملکی رهبران آن بودند در میان بازاریان و دانشگاهیان طرف‌دار داشت و ایجاد سلطنت مشروطه حقیقی، از بین بردن امتیازات طبقه بالا، تشویق صنایع کوچک و عدم وابستگی ملی را خواستار بود. (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۳۱۱) اما حزب ملت ایران نتیجه فعالیت دانشجوی حقوق، داریوش فروهر بود که پایگاهش در میان دانشجویان و دانش‌آموزان قرار داشت. او خود را ضد دربار، ضد کمونیست، ضد

۱. اصطلاح روشن‌فکری و روشن‌فکران در تاریخ معاصر ایران با میل و گرایش به غرب و شرق، شناخته شده‌اند؛ از این رو، با روشن‌فکری و روشن‌فکران دینی متفاوتند.

۲. موازنه مثبت به معنای اعطای امتیاز مساوی به استعمارگران و سلطه‌گران است به گونه‌ایی که به حفظ و گسترش برابر نفوذ آنان در کشور منتهی شود.

۳. جامعه سوسیالیستی به جامعه‌ایی گفته می‌شود که افراد از بیمه همگانی، آموزش عمومی، اقتصاد دولتی، عدالت اجتماعی و نظایر آن برخوردار باشد. کمونیسم از درون اندیشه‌های سوسیالیستی بیرون آمده است.

سرمایه‌داری، ضد یهود و روحانیان معرفی کرد و در نهایت جامعه مجاهدین اسلام متشکل از اصناف، بازاریان، طلاب و مغازه‌داران بود که هدفش اجرای شریعت و لغو قوانین غیر دینی بود؛ لذا از همکاری فدائیان اسلام برخوردار گردید.

این همکاری به دلیل اینکه اهداف فدائیان اسلام را به منظور برقراری حکومت اسلامی محقق نمی‌کرد، پایدار نماند. در واقع فدائیان اسلام در جهت استقلال و حاکمیت ملی که اهداف اصلی و مهم جنبش به شمار می‌رفت، با آیت‌اله کاشانی همکاری نمود و به جنبش نفت یاری کرد. در واقع نقطه پیوند گروه‌ها و نهادهای مذهبی و حضور در مبارزه برای ملی شدن صنعت نفت، به اهداف نهضت باز می‌گشت که مغایرتی با قوانین اسلامی نداشت زیرا در فتاوی مراجع تقلید، تأکید می‌شد که بر هر مسلمان واجب است در احقاق حق قانونی و شرعی خود در راستای خاتمه دادن به اسارت بیگانه، بی‌توجه نباشد و این تأکید، همواره در گفته‌ها و اعلامیه‌های آیت‌اله کاشانی به چشم می‌خورد. از نظر ایشان، تکلیف دینی و وطنی ملت مسلمان ایران است که در مبارزه برای احقاق حق خود، دریغ نکند. (هواداران نهضت اسلامی ایران، ۱۳۵۸: ۵۴) نهضت ملی شدن صنعت نفت قیام ضد استعماری و ضد انگلیسی بود. به همین دلیل، مرجعیت دینی نمی‌توانست نسبت به آن بی‌تفاوت باشد. در ادامه مقاله، به نقش روحانیت و اعلامیه‌ها و تلگراف‌های صادر شده از سوی آنان اشاره خواهد شد که نقش مهمی در برانگیختن واکنش مردمی را عهده‌دار بودند.

جبهه ملی و حامیان ملحق شده به آن، از اعتراض به انتخابات به ارائه مرام، اساسنامه و شعار پرداخت که در بردارنده نوع خواسته‌ها و نوع نیازهای آنان بود، خواسته‌های اصلی‌شان عبارت بود از:

- استقلال ملی، حفظ سلطنت مشروطه، خلع ید از اشرافیت زمین‌دار و استقرار جامعه سوسیالیستی؛
- سلطنت مشروطه حقیقی، از بین بردن امتیازات طبقه بالا، تشویق صنایع کوچک و عدم وابستگی ملی؛

- مخالفت با دربار، کمونیست، یهود و سرمایه‌داری و قطع نفوذ خارجی؛

- اجرای شریعت و لغو قوانین غیردینی و اتحاد بر ضد غرب.

زمینه اصلی شعارهای این گروه‌ها و افراد، برقراری عدالت اجتماعی، آزادی و مبارزه با نفوذ خارجی بود که با توجه به پایگاه اجتماعی آنها و با استفاده از ادبیات طبقه خود بیان

شده است. بیست نفر پایه‌گذار جبهه ملی را دو استاد حقوق دانشگاه، هفت وکیل دادگستری، سه روزنامه‌نگار، دو مهندس، چهار کارمند دولت و دو شخصیت مذهبی تشکیل می‌دادند البته جبهه ملی فاقد گرایش مذهبی بود اما کسانی که می‌خواستند آن را به سوی مذهب سوق دهند به دلیل انعطاف ناپذیری مذهبی آن، از جبهه ملی جدا شدند. این بیست نفر، هشت نفر تحصیل کرده فرانسه و سه نفر تحصیل کرده سوئیس بودند. هشت نفر نیز در ایران درس خوانده و یک شخصیت مذهبی نیز در عراق تحصیلات عالی خود را به پایان رسانده بودند (علم، ۱۳۷۱: ۱۶۰) به لحاظ وابستگی طبقاتی، پنج نفر از آنها از جمله مصدق از اشراف، مالک زمین‌های بزرگ زراعی و پانزده نفر از طبقات متوسط شهری محسوب می‌شدند. (مکی، ۱۳۶۰: ۴۴-۳۵)

هر کدام از افراد با پایگاه طبقاتی مذکور گرایش به سمت گروه و حزبی داشت که خواسته خود را هم از منظر خاستگاه طبقاتی - فرهنگی و نوع سمت و شغل خود ارائه می‌کرد، هم‌چون مهدی بازرگان، مهندس تحصیل کرده فرانسه عضو حزب ایران که اعضای آن اغلب از تکنوکرات‌های طبقه متوسط،<sup>۱</sup> کارمندان دولت، فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها و دانشجویان و دانش‌آموزان دانشکده‌ها و مدارس تشکیل شده بود. اینان پایان دادن به حکومت خودکامه، قطع نفوذ خارجی و استقرار عدالت اجتماعی البته حاکمین دین را اساس شعار خود قرار داده بودند. (علم، ۱۳۷۱: ۱۶۱ مظهر بقایی که حزب زحمت‌کشان را تشکیل داده بود حامیانی از میان دانشجویان،)

بازاریان، اصناف و مغازه‌داران داشت و از بستر این پایگاه طبقاتی، همان اهداف حزب ایران را با نگاه چپ‌گرایانه<sup>۲</sup> و سوسیالیستی دنبال می‌کرد و یا حتی داریوش فروهر که ملی‌گرایی را همراه با تمایلات ضد کمونیستی و ضد سرمایه‌داری مطرح کرد. در واقع، نقطه اشتراک نیروهایی که در این زمان گرد هم آمده بودند، کوتاه کردن دست سلطه خارجی از منابع و منافع ملی بود و هنوز برچیدن حکومت و رژیم و یا احیاناً استقرار حکومت دینی در انگیزه آنان، جایی نداشت. به این معنی که در تمام احزاب، همواره تعهد به سلطنت مشروطه که یادگار انقلاب مشروطه و قانون اساسی مدون آن بود به چشم می‌خورد اما در این زمان، ابزار و شیوه اجرای این قوانین و مقررات متزلزل شده بود و این

۱. تکنوکرات به کسانی اطلاق می‌شود که به برتری و حاکمیت تخصص بر دیگر چیزها قائل هستند. اینان از آغاز با حاکمیت مذهب بر امور جامعه مخالفت می‌کنند.

۲. چپ‌گرا به کسانی گفته می‌شود که به دنبال تغییرات اجتماعی به نفع مردم به شیوه و طریق سریع هستند.

فضا، زمینه گردهمایی برای تشکیل جبهه ملی و در نهایت ملی شدن صنعت نفت شد. در این میان، نیروهای مذهبی هم بودند که در میان بازار و طلاب علوم دینی و اصناف طرفدار داشتند و با حمایت این گروه که به نوعی طبقه متوسط دین‌دار را شکل می‌داد، خواستار وحدت گروه‌ها و مسلمانان بر ضد استعمار غرب می‌شدند. نیروهای مذهبی در تحقق اهداف جنبش نفت، نقش مهمی بر عهده داشتند. مراجع حوزه‌های علمیه شهرهای مختلف و روحانیان مطرح به ارائه اعلامیه، بیانیه و تلگراف در جهت اهداف جنبش پرداخته و مردم را نسبت به پی‌آمدهای ملی شدن صنعت نفت چه از نظر سیاسی، اقتصادی و چه از نظر مذهبی آگاه می‌نمودند. روحانیت رکن مهم و برجسته‌ای به شمار می‌رفت که در هم‌سو کردن مردم نسبت به جنبش نفت سهم مهمی داشته است. آیت‌اله کاشانی از نخستین روحانیونی بود که در خردادماه ۱۳۲۹ نسبت به ردّ قرارداد الحاقی به نمایندگان مجلس شورای ملی پیامی فرستاد و توسط دکتر مصدق قرائت شد: «مخالفت مردم را با هر قراردادی که مشعر بر تثبیت و تأیید عقد اکراهی غیر نافذ در ۱۳۱۲ باشد، اعلام می‌نمایم.» (هواداران نهضت اسلامی ایران، بی تا: ۱۵)

به دنبال طرح ملی شدن صنعت نفت، مراجع دیگر و علمای وقت مانند: آیت‌اله خوانساری، آیت‌اله محلاتی، آیت‌اله شاهرودی، حجت‌الاسلام سید محمود روحانی قمی و عده‌ای دیگر با صدور فتاوایی ضمن تجلیل از آیت‌اله کاشانی نظر ایشان را در مورد ملی شدن صنعت نفت مورد تأیید قرار دادند. (هواداران نهضت اسلامی ایران، بی تا: ۱۴) در تلگراف‌ها و اعلامیه‌هایی که در حمایت از بیانات آیت‌اله کاشانی نوشته شد: «بقای شرکت نفت ایران و انگلیس را از موارد سلطه کفار بر مؤمنین شمردند و درباره لزوم مبارزه عمومی اشاره کردند که فرقی نیست در این جهت بین دولت و ملت، همه در نفع و ضرر شرکت دارند. بلکه در دولت بیشتر لازم است جدیت و اهتمام در قطع ید اجانب و بیگانگان.» (روزنامه شاهد، ۱۳۲۹: ۹۴-۹۱) گرچه تحقق ایده ملی شدن صنعت نفت با تشکیل جبهه ملی از حالت بالقوه درآمد اما مبارزات گروه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی در جهت تأمین نفعی مشترک، انجام شد.

این مجموعه، نیروهای سیاسی و اجتماعی را در زمره طرفداران خود داشت که در طی پیمودن راه مبارزه برای ملی شدن صنعت نفت به آن ملحق شدند. (کاتوزیان، ۱۳۷۲: الف، ۶۵) با نگاهی به ساختار طبقاتی افراد و گروه‌های جبهه ملی و سهم در جنبش، شغل و جایگاه سیاسی و اجتماعی آن‌ها، می‌توان نقش و روی کرد آن‌ها را بازشناخت. توجه به

فهرست اسامی اعضای جبهه ملی نشانی از حضور دو خاستگاه طبقاتی در این جریان بود: طبقه بالا (زمین دار اشراف) و طبقه متوسط شهری که شامل سنتی و جدید می‌شد. لازم است که با تقسیم‌بندی نیروهای سیاسی و اجتماعی و اشاره‌ای به نقش آن‌ها در دوره پهلوی، به بررسی خاستگاه طبقاتی افراد و گروه‌های فعال در جنبش پرداخت تا زمینه فعالیت‌های مؤثر آن‌ها مشخص شود.

### طبقه اجتماعی و سیاسی بانفوذ اشراف و ملاکین

اوایل عصر پهلوی، اقشار مسلط هم‌چون اواخر دوره قاجار، شامل خاندان سلطنتی، کارمندان سطح بالای اداری، زمین‌داران بزرگ، خان‌های عشایر و تجار ثروتمند بودند که در پایان عصر پهلوی با جای‌گزینی نخبگان متخصص و اداری جدید به جای سیاست‌مداران کهنه‌کار قدیمی که اغلب از زمین‌داران سنتی و رؤسای ایلات بودند. جای‌گزینی تدریجی سرمایه‌گذاران صنعتی و تجار جدید، پیمان‌کاران، مهندسان مشاور، صاحبان سرمایه‌های مالی و بانک‌داران به جای تجار مرفه و کاهش قدرت و موقعیت علما و زمین‌داران سنتی همراه شد. تا پایان ۱۳۳۰ زمین‌داران بزرگ، نقش فعال و فزاینده‌ای در عرصه سیاست محلی و ملی ایفا می‌کردند. (اشرف و بنوعیزی، ۱۳۸۷: ۷۶) به طور کلی می‌توان گفت که در اوایل عهد قاجار یعنی اوایل قرن نوزدهم عموم مردم ایران در چهار طبقه عمده جای می‌گرفتند: طبقه بالای زمین‌دار، طبقه متوسط (متوسط سنتی)، کارگران مزد بگیر شهری و رعایا. (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۴۰-۳۳)

تفوق و امتیازات ویژه سیاسی - اجتماعی این طبقه به لحاظ شاخصه‌های قشربندی اجتماعی ایران دوره قاجار و معاصر قابل توجه است. منافع مشترک، شرکت در کار و ازدواج، عامل پیوند آن‌ها بوده و صاحبان امتیازاتی چون نپرداختن مالیات بودند و اغلب هم تیول و مواجب و کمک‌های مالی دولتی دریافت می‌کردند. این ویژگی قشرهای مسلط دوره قاجار است که هم‌چنان در دوره پهلوی از اهمیت ویژه‌ای در صحنه سیاسی ایران برخوردار بودند.

### طبقه متوسط شهری

اقشار شهری که شامل طبقه متوسط شهری (سنتی و جدید) می‌شدند، مدافعان جنبش بودند، زیرا این جنبش قانون، حقوق سیاسی و امنیت فردی را وعده می‌داد که به خودی

خود ضمانت‌های اقتصادی و در نتیجه قدرت سیاسی بیشتری را برای مالکیت خصوصی و اقشار شهری فراهم می‌کرد. علاوه بر این، این جنبش، جامعه‌ای بازتر و آزادی‌فزون‌تری را نوید می‌داد که هم به لحاظ ایدئولوژیک و هم حرفه‌ای، مورد ستایش نویسندگان، علما و روزنامه نگاران بود. (طبری، ۱۳۸۰: ۳۱؛ کاتوزیان، ۱۳۷۲: ب، ۵-۱)

### طبقه متوسط شهری سنتی

دگرگونی‌های قرن نوزده که در دو محور عمده تسهیل و افزایش ارتباطات و در نتیجه ادغام بازارهای محلی در بازار ملی و ادغام ایران در بازارهای جهانی که به ضرر تجار، پیشه‌وران و کسبه ایران تمام شده بود، زمینه لازم را برای تبدیل طبقه متوسط سنتی از طبقه «درخود» به طبقه «برای خود» فراهم کرد و طبقه متوسط سنتی در ۱۲۷۹ برای نخستین بار از هویت سیاسی مشترک برخوردار شده و به یک نیروی سراسری پهناور و آگاه تبدیل شد. این طبقه شامل روحانیان، بازاریان، تجار، پیشه‌وران و کسبه می‌شد که بازار در کنار روحانیان پایگاه مالی و سیاسی به حساب می‌آمد که حمایت جنبش‌های بسیاری در تاریخ معاصر را به عهده گرفت.

در اوایل دوره قاجار بازارها، میدان فروش کالا، مرکز کارگاه‌ها و بانک‌ها، مرکز رؤسای صنفی، جایگاه انبارهای کالا و مرکز فعالیت تجاری و مذهبی ایران سنتی بودند. در بازارها، کسبه مال‌التجاره می‌فروختند، صنعت‌گران کالا تولید می‌کردند، اولیای مذهبی وعظ می‌نمودند، دولت‌ها انبار می‌کردند و وام‌دهندگان، پول وام واگذار می‌کردند. (اشرف و بنوعیزی، ۱۳۸۷: ۹۰)

در اوایل دوره پهلوی، پیشه‌وران و کاسبان، هسته خرده بورژوازی<sup>۱</sup> سنتی را در ایران تشکیل می‌دادند. مغازه‌های آنان در بازارهای قدیمی و در امتداد خیابان‌های جدید شهری قرار داشت. کاسبان با پیشه‌وران و شاگردان آنان روی هم‌رفته یک گروه منزلتی واحد را تشکیل می‌دادند و همراه با سلسله مراتب مذهبی به عنوان حاملان سبک‌های زندگی و

۱. خرده بورژوازی طبقه‌ای است که در جامعه سرمایه‌داری در فاصله میان طبقات بورژوازی و کارگر (پرولتاریا) قرار دارد. در واقع همان طبقه متوسط سنتی است که شامل دارندگان وسایل تولید کوچک مانند افزاینده‌ها و پیشه‌وران می‌شود که گرچه مانند سرمایه‌داران بخشی از وسایل تولید را در مالکیت خود دارند اما طبقات دیگر را استثمار نمی‌کنند. (کرایب، ۱۳۸۶: ۱۷۵) از اواخر قرن نوزدهم خرده بورژوازی یکی از پایگاه‌های اجتماعی عمده واکنش بر ضد نفوذ اقتصادی، فرهنگی سرمایه‌داری غرب در ایران به شمار می‌رفته است و از جنبش‌های فرهنگی، اقتصادی و مذهبی مانند جنبش تنباکو و انقلاب مشروطه حمایت کرده است. (بشیریه، ۱۳۸۸: ۱۴۵)



ارزش‌های شهری سنتی ایفای نقش می‌کردند. (افروغ، ۱۳۷۰: ۱۱۰)

### طبقه متوسط شهری جدید

این طبقه با تلاش‌های رضاشاه به منظور توسعه ارتش نوین و نظام اداری کارا و متمرکز به وجود آمد. رشد دیوان‌سالاری روزافزون برای متخصص و مدیر در سطح گوناگون بخش‌های عمومی و خصوصی و گسترش سریع آموزش به سبک غربی منجر به پیدایش طبقه متوسط غیرکارفرما شامل متخصصان آزاد، کارمندان پرسنل نظامی، شاغلان یقه سفید و متخصص در بخش خصوصی و روشن‌فکران بود. (افروغ، ۱۳۷۰: ۱۰۸) در واقع، رشد نظام اداری، نیاز روزافزون به تکنسین‌ها و مدیران در همه سطوح چه در بخش دولتی و چه خصوصی، گسترش سریع سوادآموزی به سبک و شیوه غربی، باعث شکل‌گیری طبقه متوسط غیر سرمایه‌داری شد که عاملان اصلی نوسازی حکومت پهلوی به حساب می‌آمدند. (اشرف و بنوعیزی، ۱۳۸۷: ۸۶) این طبقه که محصول نوسازی این دوره بود در جهت آموزش در مدارس البته به روش غربی، تأسیس دانشگاه‌ها، کارخانه‌ها و توسعه صنعت بوده و پیوندی را با نخبگان حکومتی برقرار کردند که به نوعی در سمت‌وسوی مدرنیسم و سکولاریسم قرار می‌گرفت.

از نظر جیمز بیل خصائل اساسی طبقه متوسط جدید را این‌گونه می‌توان تقسیم بندی کرد:

- رو گرداندن اعضای رو به رشد این طبقه، از پذیرش مناسبات قدرت که جامعه ایران را زیر سلطه دارد.

- افرادی که دارای تحصیلات عالی بودند و یا در مراحل کسب آن قرار داشتند.

- قدرت اعضای این طبقه از مهارت و فنونی ناشی می‌شود که در نتیجه تحصیلات رسمی کسب کرده‌اند.

- اعضای این طبقه در سطوح مختلف با افکار و فلسفه‌های غربی آشنا هستند. (Bill, 1963: 100)

در واقع جایگاه سیاسی - اجتماعی اجزای طبقه متوسط جدید در جنبش‌های سیاسی و اجتماعی ایران به دوران محمدرضاشاه مربوط می‌شود. دو گرایش اصلی جهت‌گیری ایدئولوژیک اعضای این طبقه عبارتند از:

- افزایش مستمر نقش این طبقه در به راه انداختن تظاهرات و رهبری جنبش‌های

سیاسی اجتماعی؛

- حرکت دائمی از ایدئولوژی ملی‌گرایی متعادل یا افراطی به سوی ایدئولوژی‌های چپ و افراطی. (اشرف، ۱۳۵۹: ۷۰)

در نظر اشرف، حرفه‌مندان آزاد، وکلای دادگستری، قضات، پزشکان، مهندسان و استادان دانشگاه در رهبری نهضت‌های سیاسی - اجتماعی و هدایت نیروهای ضد جنبش‌های سیاسی - اجتماعی نقش فزاینده‌ای داشتند. افرادی که قدرشان به موقعیت شغلی متکی است و در جریان تحصیلات جدید مهارت‌هایی کسب کرده و به کار می‌برند؛ اعضای تحصیل کرده‌ای که مؤسس دانشگاه تهران و مرکز ثقل طبقه متوسط جدید در ایران به شمار می‌روند.

در دوران محمدرضا شاه، دو عامل عمده روند شکل‌گیری طبقات اجتماعی را تحت تأثیر قرار داد: اول، تلاش رژیم برای حفظ نظام سیاسی که عملاً با مشارکت طبقات اجتماعی تنافی داشت؛ دوم، شرایط خاص بین‌المللی ورود اکثر کشورهای جهان در عرصه توسعه و نوسازی که موجب برانگیختن احساس مشارکت جمعی طبقه متوسط جدید در ایران شد. (مقصودی، ۱۳۸۰: ۳۲۲) با شناخت این طبقه، می‌توان گفت که طبقه متوسط جدید ضمن این‌که مذهب را یک موضوع خصوصی می‌دانست به حقوق غربی و رهبری روشن‌فکران اعتقاد داشت و دولت را به عنوان جلودار نوسازی سریع می‌ستود و از راه حقوق کارمندی زندگی می‌کرد در حالی که طبقه متوسط سنتی با پذیرش اسلام به عنوان یک روش زندگی به قانون شریعت با رهبری علما و بازرگانی معتقد بود و از راه تجارت ارتزاق می‌کرد و با دخالت دولت در اقتصاد بازار مخالف بود.

خلاصه این‌که یکی محافظه کار، مذهبی، خدامرکز و وابسته به تجارت و دیگری نوگرا، سکولار، فن‌سالار و سوسیالیست؛ «این نیروهای متباعد به خاطر پیوستگی مشترک [مانند جلوگیری از استبداد و استعمار] متفقاً وارد جبهه ملی شدند: مبارزه مشترک بر علیه مجموعه دربار، ارتش، مبارزه علیه شرکت نفت به مالکیت انگلیس و اصول سیاسی و شخصیت کاریزماتیک<sup>۱</sup> مصدق» (گازیورسکی، ۱۳۷۱: ۱۴۷؛ بشیریه، ۱۳۷۴: ۱۶۹) و البته هر کدام از این نیروها گرچه به نظر محقق مذکور، خدامرکز و یا سکولارمحور معرفی

۱. رهبران کاریزما به کسانی گفته می‌شود که به دلیل برخورداری از برخی خصلت‌های شخصی در یک مقطع زمانی مورد پذیرش عمومی قرار می‌گیرند. علما، علاوه بر این، دارای خصلت‌های دینی‌اند که آنان را بیش از رهبران کاریزما محبوب قلب‌ها می‌کند.

شدند، اما در اجرای اهداف ملی شدن صنعت نفت، هم‌سویی و هم‌گرایی قابل‌توجهی از خود نشان دادند. از این رو، نمی‌توان تمام روحانیت را «محافظه‌کار» و تمام تحصیل‌کردگان خارج رفته را «سکولار» نامید، زیرا در جریان ملی شدن صنعت نفت، نیروهای مختلف با پایگاه‌های اجتماعی متفاوت در کنار یک‌دیگر به منظور تحقق استقلال و بر دست گرفتن منافع ملی مبارزه کردند.

در سال ۱۳۲۳ در طی انتخابات مجلس چهاردهم وقتی بازار از دکتر محمد مصدق حمایت کرد و به پشتیبانی از وی که مجلس را جایگاه فاسدان قلمداد کرد بسته شد، نشانی از وحدت بازار با دانشگاه را داشت. همان نقطه‌ای که اعضایش در طبقه متوسط جدید، حمایت ویژه‌ای از مصدق داشتند. زمانی نیز که در طی قیام ۳۰ تیر بازارها بسته شد و از مجموع کسانی که در این قیام کشته شدند نام ۲۵ تن از کسبه، پیشه‌ور، کارآموز کارگاه و شاگرد مغازه نام برده شد، نشانی از محوریت این طبقه در جنبش ملی شدن صنعت نفت بود به این معنی که با وجود برخی اختلاف و تضادها در طی جنبش ملی شدن نفت، همراهی این دو طبقه به چشم می‌خورد.

با نگاهی بر پایگاه اجتماعی اعضای اصلی جبهه ملی می‌توان گفت که رهبری ائتلاف را طبقه متوسط جدید در دست داشت و بیشتر اعضای طبقه کارگر صنعتی نیز برای پشتیبانی از مصدق به این طبقه پیوستند. در فاصله سال‌های ۳۳-۱۳۲۹ و در جریان مبارزات مردم برای ملی کردن نفت تشکل‌های کارگری یک‌بار دیگر بعد از دو سال رکود، فعال شدند و شورای متحده مرکزی کارگری یک‌بار دیگر فعالیت خود را از سر گرفت و در سال ۱۳۲۹ اعتصاب کارگران راه آهن را سازمان‌دهی و اجرا نمود. بزرگ‌ترین اعتصاب در تاریخ جنبش کارگری ایران که در واقع یک اعتصاب سیاسی و اقتصادی بود در آستانه ۱۳۳۰ به وسیله کارگران نفت جنوب آغاز شد. (سوداگر، ۱۳۶۹: ۷۵۶)

نکته قابل توجه این که طبقه متوسط جدید در چالش با حکومت قرار داشت و یکی از عوامل این چالش، عدم وجود تناسب رشد سیاسی - اقتصادی جامعه بود که تمام قدرت و ابزار را در دست شاه قرار می‌داد. بدین معنا که شاه با سوء استفاده از فقدان توسعه سیاسی و با کاربست توسعه به ظاهر اقتصادی می‌توانست به کنترل مخالفان خود در انظار عمومی بپردازد از این رو می‌توان گفت، کنترل مشارکت اعضای طبقه متوسط جدید در حد وسیعی متأثر از شرایط حاکم بر ساخت قدرت بود. حاکمیت از ترس شکل‌گیری نیروی مخالف، جلوی اشاعه آگاهی‌های سیاسی، اجتماعی و ارتقاء سطح فرهنگ مشارکتی مردم را

می‌گرفت. (آشوری، بی تا: ۴)

### هماهنگی طبقات اجتماعی در جنبش ملی شدن صنعت نفت

در جنبش ملی شدن نفت افراد مؤثرند، گروه‌ها سهیمند و احزاب فعالند، اما با نگاهی ترکیبی از سه نوع نگرش می‌توان علت حجم وسیع تألیفات را راجع به چگونگی، شکست و پی‌آمدهای جنبش مذکور دریافت، زیرا نگرشی همه‌جانبه به محقق یاری خواهد کرد که به تدریج با یافتن اسناد و مدارک و کدو کاو در آن‌ها، پاسخ پرسش‌های وامانده در جنبش‌های اجتماعی معاصر را به بحث بنشینند.

افراد، گروه‌ها و احزاب سهیم در جنبش ملی شدن نفت به تناسب عضویت در طبقه‌ای که در ابتدای بحث مورد ارزیابی قرار گرفتند و با توجه به پیوندهای سیاسی - اجتماعی، نقشی بر عهده داشتند. اگر از طبقات بالا که همواره در طول تاریخ ایران با گروهی از افراد معروف به اشراف زمین‌دار معرفی می‌شوند آغاز کنیم دکتر محمد مصدق متعلق به این طبقه است که می‌توان در ۲۷ فروردین ۱۳۲۵ در پی اعتصاب کارگران نسبت به عمل کرد شرکت نفت به دست‌مزد آنان در مجلس، دیدگاه و نگرش وی را ملاحظه کرد:

هرکس که از ابتدایی‌ترین حق خود که داشتن یک لقمه نان برای امرار حیات است محروم باشد حق دارد از حقوق دفاع مشروع خود یعنی «لژی نیم دفانس» استفاده نماید که آن اعتصاب است و به این وسیله همه با هم متفق شوند تا بتوانند حق خود را استیفاء کنند و البته هیچ‌کس نمی‌تواند منتظر و امیدوار باشد که عده‌ای با شکم خالی کار کنند و کیسه سرمایه‌داران انگلیسی را مملو از لیره‌های طلا نمایند. (کریمی، ۱۳۸۵: ۱۲۹-۱۲۸)

هم‌چنین، زمانی که در پاییز ۱۳۳۲ در برابر دادگاه نظامی، اهداف و آرمان‌های خود را که سرنگونی و محاکمه بعد او را منجر شد، چنین توصیف می‌کند:

به من گناهان زیادی نسبت داده‌اند ولی من خودم می‌دانم که یک گناه بیش‌تر ندارم و آن این است که تسلیم تمایلات خارجی‌ان نشدم و دست آنان را از منافع ثروت ملی کوتاه کرده‌ام و در تمام مدت زمام‌داری خود از لحاظ سیاست داخلی و خارجی فقط یک هدف داشته‌ام و آن این بود که ایران بر مقدرات خود مسلط شود و هیچ عاملی جز اراده ملت در تعیین سرنوشت مملکت دخالت نکند پس از پنجاه سال مطالعه و تجربه به این نتیجه رسیدم که جز تأمین استقلال و آزادی کامل ممکن نیست که ملت ایران بر مشکلات و موانع بی‌شماری که در راه سعادت و عظمت

خود دارد غلبه کند. (بزرگمهر، ۱۳۶۳: ج ۱، ۱۶۷-۱۶۶)

مبارزه با تسلط بیگانه، آزادی و استقلال ایران مستلزم شناخت سیاسی از اوضاع و شرایط ایرانی بود که ملتش در گفته دکتر حسین فاطمی، ستم‌دیده و استعمارزده بود. شناخت و درک عمیق شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از سوی کسانی که در بطن روی‌دادها و زدوبندهای سیاسی قرار گرفته بودند و به خصوص، شرایط جامعه ایران پس از جنگ جهانی دوم، توجه به چرایی مشکلات ایران از سوی آنان را توجیه می‌کند، تا آن‌جا که کسانی چون حسین فاطمی قبل از اجرای مراسم اعدام گفت:

از مرگ ابایی ندارم آن هم، چنین مرگ پر افتخاری. من می‌میرم که نسل جوان ایران از مرگ من درس عبرتی گرفته و با خون خود از وطنش دفاع کند و نگذارد جاسوسان اجنبی بر این مملکت حکومت کنند. من درب سفارت انگلیس را بستم غافل از این که تا دربار هست انگلستان سفارت لازم ندارد. (مهدوی، ۱۳۸۴: ۱۸۳)

آگاهی سیاسی و شناخت شرایط جامعه از بالا توسط طبقه‌ای که موقعیت اجتماعی و سیاسی‌اش آن را به نگاهی همه‌جانبه سوق می‌دهد؛ به گونه‌ای است که تعمیق دید سیاسی - اجتماعی در مورد شکست سیاسی رژیم شاه در داخل مملکت و بی‌اعتباری نزد مردم، کساد وضع اقتصادی، گسترش بی‌تناسب شهرها، بیکاری رو به افزایش، کسر بودجه، وضع خراب ارتش و سیاست بی‌بندوبار خارجی و یأس و نومیدی در دستگاه‌های اداری و انتقاد و مخالفت‌هایی که در همه‌جا نسبت به دستگاه دولت از هر کس و در هر جا دیده و شنیده می‌شد (مهدوی، ۱۳۸۴: ۱۱۱) را امکانی برای فعالیت جهت تحصیل آزادی و استقلال مملکت بداند.

در سخنان تمامی حامیان رهبر جبهه ملی (محمد مصدق) می‌توان هم‌راهی آنان با آرمان یافت؛ آرمانی که با توجه به خصوصیات، فعالیت‌ها و عقاید حامیان هم طبقه وی، به عنوان هدفی مشترک تلقی شد و این هدف مشترک، نفی حضور بیگانه و نفی تسلط آن بر منابع و منافع ملی به شمار می‌رفت البته و در نهایت، عدم توجه جدی آنان به استفاده از قدرت مذهب و روحانیان، آنان را از دسترسی به این اهداف بازداشت.

در مراسم سالروز قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۰ مهندس احمد رضوی که در این زمان رییس مجلس بود، در یک نطق رادیویی دوباره این درد مشترک را اظهار می‌دارد:

کارشکنی‌های ظالمانه و تحریکات مزورانه شرکت سابق را همه می‌بینیم و دخالت ناروای دولت انگلیس را هم که از خیالات استعماری سرچشمه می‌گیرد. می‌دانیم و

هم‌چنین متوجه هستیم که دولت امریکا این خواسته‌های استعماری را تقویت می‌کند و در خاورمیانه عظمت و ثروت خود را پشتیبان دولت انگلیس قرار داده است. با این همه ملت ایران به اعتراض شدید از رویه غیرمنصفانه امریکا، دست از مقاومت خود در برابر طمع‌ورزی شرکت‌های نفت بر نمی‌دارد و با کمال صبر و حوصله از دولت ملی خود پشتیبانی می‌کند تا به سرمنزل مقصود برسد. (مهدوی، ۱۳۸۴: ۷۸)

نگرش نسبت به اوضاع و احوال ایران برای ورود به صحنه سیاسی، مبارزه برای آزادی، تأمین استقلال و عدالت اجتماعی به گونه‌ای بود که گروهی که در طبقه متوسط شهری با شاخصه تحصیلات و شغل مورد توجه بوده‌اند با تشکیل حزب و تدوین مرامنامه همراهی خود را با رهبری جبهه نشان دادند. احمد زیرک‌زاده از جمله افراد این طبقه در چگونگی شکل‌گیری حزب ایران به هدف هم‌حزبان خود اشاره دارد که:

بدبختی و فلاکت ایرانیان، ما را به دور هم جمع کرد. مرام ما، ترجمه علت تشکیل ماست. ما سرچشمه تمام بیچارگی‌ها را در فقر مردم و فساد طبقه حاکمه دیدیم. وجود ناعدالتی‌های وحشیانه در جامعه ایران و عدم لیاقت و صلاحیت زمام‌داران را مسبب اصلی تیره‌روزی خود شناختیم از این رو استقرار عدالت اجتماعی و مبارزه با فساد را در سرلوحه مرام خود قرار دادیم. گفتیم ایران باید به دست ایرانیان اصلاح گردد [...] و برای آنکه اصل عدم اتکا به دیگران را مجسم سازیم به نام عزیز ایرانیان نام نهادیم. (کریمی، ۱۳۸۵: ۶۱)

هم‌سویی طبقات در مبارزه برای منافع ملی و تأمین استقلال در ادبیات متفاوت از سوی طبقات قابل توجه است. تأمین استقلال و آزادی، سلطنت مشروطه حقیقی، مبارزه با فساد، مبارزه با عوامل بیگانه و تسلط آنان بر منافع ملی و تسلط ایرانی بر ایران.

ما به خواب غفلت و بیگانگی بیدار

بُرد هستی‌مارا و افزود اعتبار خویش را

عاقبت شد این زمان یک نهضت ملی به پا

تا کند کوتاه دست خصم به اندیش را

(کوهستانی‌نژاد، ۱۳۷۹: ۳۱۰)

در کنار طبقه متوسط شهری جدید که چگونگی پیدایش آن در سطور پیشین ذکر شد طبقه متوسط سنتی نگرش ایدئولوژیکی به هدف مشترک داشت؛ مبارزه با قوانین غیر

دینی در کنار تمامی مفاهیم بیان شده طبقات دیگر. طبقه‌ای که بازار - نهاد اجتماعی و فرهنگی عمیقاً پایه‌دار در جامعه ایران - نقش مهمی در آن ایفاء می‌کرد. طبقه متوسط سنتی مجموعه‌ای از روحانیون، بازاریان، پیشه‌وران و کاسبان خرده بورژوازی بودند که در تحولات سیاسی - اجتماعی معاصر نقش داشتند. در طی تصویب قانون ملی شدن نفت و دشواری‌های دولت مصدق نسبت به مقابله با عوامل مخالف داخلی و خارجی روحانیت با ارائه اعلامیه‌ها و بازاریان با بستن بازار به حمایت دولت مصدق می‌پرداختند. به عنوان نمونه در بیانیه آیت‌الله کاشانی به عنوان رهبر مذهبی جنبش در بردارنده مطالبی بر علیه مداخلات بیگانگان و آگاه ساختن مردم در جهت ملی شدن نفت و تأثیر حضور و مشارکت آنان است:

ملت مسلمان ایران اکنون که به فضل الهی از خواب غفلت بیدار شده و به حقوق خود آشنا گردیده، تا اساس استقلال کامل سیاسی و اقتصادی خود را مستقر نکند از پای نخواهد نشست و عموماً تنفر خود را از مداخلات استقلال شکنانه انگلیس‌ها و امریکایی‌ها به سمع عالمیان می‌رسانند. (هواداران نهضت اسلامی ایران، ۱۳۵۸: ۷۵)

حتی در هنگام خلع ید از شرکت سابق به دلیل اختلافاتی که در میان کارگران و کارمندان نفت ایجاد شده بود آیت‌الله کاشانی طی اعلامیه‌ای خطاب به کارگران می‌نویسد: انتظار دارم بیش از پیش در اتحاد و اتفاق و حفظ انتظامات و پشتیبانی از دولت جناب آقای مصدق و هیأت محترم خلع ید که ثمرات نیکویی آن عاید عموم ملت ایران خاصه کارگران زحمت‌کش خوزستانی می‌شود، جدیت خواهند نمود. (هواداران نهضت اسلامی ایران، ۱۳۸۵: ۱۵)

طبقه متوسط سنتی با اتکا بر دو رکن روحانیت و بازار - روحانیت در جایگاه رهبری مبارزات سیاسی و بازار در پایگاه مردمی و اقتصادی - قرار داشت. در مواقعی که طبقه حاکمه بر خلاف باورهای دینی و سنت‌های اعتقادی و ملی گام بر می‌داشت نقشی مهم و جدی در صحنه سیاسی ایفاء می‌کرد. در طی جنبش ملی شدن نفت در کنار ملی‌گرایان این طبقه، از اهداف و آرمان‌های استقلال‌طلبانه و عدالت‌خواهانه جبهه حمایت می‌کرد و با آن همگام شد. در تمام مراحل که نهضت ملی شدن صنعت نفت از حمایت گروه‌های مختلف برای تحقق اهداف خود برخوردار بود و دور شدن آن از آموزه‌های دینی و روحانیت احساس نمی‌شد، فعالیت مؤثر این طبقه در جهت حفظ و نگه‌داری استقلال و

اعاده حیثیت ملی قابل توجه بود. به طوری که فتوا صادر می‌کردند و نیروهای مختلف اجتماعی و سیاسی را در تجمعات و تظاهرات گرد هم می‌آوردند. رابطه این طبقه اجتماعی با مردم و نهاد بازار به خوبی می‌توانست در جهت‌دهی به افکار عمومی مؤثر باشد. همان‌طور که در ادامه به مضامین فتاوی مراجع مذهبی اشاره می‌شود، می‌توان نگرش آنان را در مورد اهداف نهضت و تبیین آن به عموم مردم دریافت.

رهبران جبهه ملی، وقتی به فکر ایجاد یک حزب جدید فراگیر و مقتدر می‌افتند، از کاشانی می‌خواهند تا به اصناف، بازاری‌ها، اتحادیه‌ها و جوامع و هیأت‌های اسلامی که از مریدان خاص او می‌باشند، رهنمود دهد که در این تشکل ثبت‌نام کنند و او جواب مثبت می‌دهد. اگر این گزارش صحت داشته باشد می‌توان گفت که کاشانی در این مقطع عملاً آماده است که مجمع مسلمانان مجاهد را در یک حزب فراگیر ملی ادغام کند. (رهنما، ۱۳۸۴: ۵۲۴) به این ترتیب، با ارائه اعلامیه و برگزاری تظاهرات در هم‌کاری با جبهه ملی گام برداشت. با عنوان شدن پیشنهاد ملی شدن نفت، آیت‌الله کاشانی طی اعلامیه‌ای مفصل کوشش برای ملی شدن صنایع نفت را «تکلیف دینی و وطنی ملت مسلمان ایران» اعلام کرد (هواداران نهضت اسلامی ایران، ۱۳۸۵: ۱۰) و اعلامیه‌ای که در همین راستا انتشار می‌دهد در بر دارنده نفع مشترک، خواسته مشترک و هماهنگی افراد، گروه‌ها و احزاب جنبش ملی شدن نفت است:

بر همه کس واضح و آشکار است که تمام بلیات و مصائب مخصوصاً هرج و مرج دستگاه اداری و غارت بیت‌المال و تسلط زمامداران نالایق و مملکت فروش و به طور کلی تشویق خیانت‌کاران و حبس و تبعید و زجر وطن پرستان در اثر سیاست جابر انگلستان در مملکت ما به وجود آمده است و آن دولت همیشه این اعمال خلاف عدالت و انسانیت را برای غارت نفت ایران که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین ثروت ملی ماست مرتکب شده و می‌شود [...] زعمای ملی و پیشوایان مردم اینک آخرین راه استرداد منابع سرشار نفت خودشان را در اقدامی که اغلب ملل عالم منجمله خود دولت انگلستان برای تسلط بر منابع ثروت ملی و بهره‌مند ساختن افراد ناس از آن منابع به عمل آورده، می‌دانند یعنی از مجلس و دولت خواسته‌اند که صنعت نفت را در تمام مملکت ملی اعلام کند ملی شدن نفت در ایران، تنها چاره بیچارگی‌های ماست. (هواداران نهضت اسلامی ایران، ۱۳۸۵: ۵۴)

ساخت و شرایط و زمینه اجتماعی نوعی شناخت را فراهم ساخت به گونه‌ای که طبقات با توجه به پایگاه شان به انتقاد از جامعه و شرایط پرداختند. این انتقادها با گفتمان



ضداستعماری و ضداستبدادی همراه بود؛ گفتمانی که با ارائه ایده، شعار و راه حل رهایی از وضعیت موجود از نگاه پایگاه طبقاتی، به مقابله با عناصر قدرتمند استعمار و استبداد پرداخت. این عناصر که در تاریخ ایران به داخلی و خارجی تفکیک شده‌اند شاهد جنبشی شد که افراد، شرایط اجتماعی و ایده‌ها در شکل‌گیری مؤثر بوده‌اند.

افراد که با خصوصیات، ویژگی‌ها، رویکرد و پایگاه طبقاتی مورد توجه قرار می‌گیرند، شرایطی که بسیاری از قوانین اجتماعی چون انتخابات آزاد در آن نفی شده بود و در کنار آن، نفت سرمایه‌ای که ملی ساختنش راه حل مبارزه با استعمار قرار گرفت و ایده، نقطه اتصال افراد برای دست‌یابی و عملی ساختن راه حل فوق بود، پس نمی‌توان گفت که در شرایط اجتماعی موجود آن دوره، تنها رویکرد دولت نسبت به انتخابات و نفت عامل اصلی و مهم ایجاد جنبش ملی شدن نفت بوده است. هدف و نیت مشترک برای نفی دخالت خارجی در امور داخله و نفی استعمار و برقراری سلطنت مشروطه از جمله حلقه پیوند گروه‌های مختلف با خاستگاه طبقاتی متفاوت بود. بنابراین، نه شرایط اجتماعی بدون گرداندگانی می‌توانست جنبش را به نتیجه برساند و نه پایگاه طبقاتی بالا و متوسط و نه شعارها و ایده‌ها بدون حمایت و پشتیبانی عمومی. بلکه شناخت نظرات، اعتقادات، افراد و گروه‌ها در کنار شرایط اجتماعی قرار گرفته و این هم‌گرایی از طریق منفعت و اراده جمعی به انسجام رسید و در تشکلی به نام جبهه ملی و حامیان آن یعنی روحانیت، بازاریان و گروه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و شهری و روستایی موجب شکل‌گیری جنبش ملی شدن نفت شد:

- ایده‌های افراد، گروه‌ها و احزاب. ( که منجر به ملی شدن نفت براساس حذف تسلط خارجی گردید )  
 - ساخت، شرایط، پایگاه و طبقات اجتماعی. ( نبود توسعه سیاسی و اجتماعی در نتیجه نبود انتخابات آزاد )

- منافع و اراده جمعی. ( ملی کردن صنعت نفت به عنوان سرمایه‌ای ملی )  
 افرادی که در طی مجلس شانزدهم با انگیزه ایجاد انتخابات آزاد و حل و فصل مسأله نفت تشکلی را به وجود آوردند و با تدوین اساسنامه‌ای که اهداف آن‌ها را فهرست‌وار نشان می‌داد در بند بند مرام‌نامه‌اش نقاط اشتراک بسیاری با کسانی داشت که در این مسیر با پی‌آمد نبود انتخابات آزاد آشنا شده و در همراهی با آن احزاب و گروه‌هایی را ترتیب دادند و به انسجام نخستین حلقه یاری کردند. این حلقه‌ها و زنجیرها با دایره‌ای

وسیع‌تر از اجتماع هماهنگ شدند. آن نقطه مشترک، دردی مشترک برای رسیدن به نفعی مشترک که با انسجام و اراده جمعی میسر می‌گشت نکته قابل توجه وجود طبقات گوناگون در کنار هم بود؛ طبقه اشراف زمین‌دار، طبقه کارگر، طبقه متوسط شهری. در این زمان طبقه زمین‌دار اشراف خود حامی طبقات پایین شده بود، از امتیازات ویژه خود کاسته بود، اصلاحات اجتماعی صورت داده که در اولین گامش حذف امتیازات و اختیارات خود وی بود. نمونه‌اش حذف بهره مالکانه توسط دکتر محمد مصدق که خود وی را به عنوان زمین‌دار مالک زراعی متضرر می‌ساخت و این نشان می‌داد که نمی‌توان بر صداقت مصدق در این راه، قسم خورد. عامل این پیوندها ایده ملی شدن سرمایه و منافع ملی بود که سال‌ها به تاراج رفته بود. حال عمل کرد حاکمیت وضعیت سیاسی - اجتماعی و نوع نگرش طبقات مختلف به شرایط موجود، زمینه‌ساز همراهی آنها بدون توجه به خاستگاه طبقاتی‌شان گردید.

### نتیجه‌گیری

هر حرکت اجتماعی مجموعه‌ای از عناصر بسیاری است که چه در زمان پیدایش و چه پس از آن در ایجاد و راه اندازی آن مؤثر شناخته می‌شود. انقلابات، جنبش‌ها و حرکات اعتراض‌آمیز سیاسی و اجتماعی همگی در این تعریف گنجانده می‌شوند. عناصری که در اهداف و نیات معترضان و مکان و بستر آن خلاصه می‌گردد. با نگاه تاریخی، نخست بستری است که واقعه در آن رخ می‌دهد. شرایط و فضایی که موجبات جنبش‌هایی با این ماهیت را فراهم می‌سازد سپس عناصر و فاعلان هدایت‌کننده جنبش که اخلاقیات و پایگاه طبقاتی خود را در ذهن تداعی می‌کند و در نهایت مهم‌ترین عامل، اهداف و نیات که بازگوکننده اجزای یک جنبش تلقی می‌شوند. این‌ها رویکرد سه نگرش به جنبش‌های اجتماعی‌اند: فردگرا، جامعه‌گرا و رابطه‌گرا.

گروه‌ها و نیروهای مختلف، در جنبش ملی شدن صنعت نفت، دارای پایگاه اجتماعی متفاوت در تحقق «استقلال» و «حاکمیت ملی» که انگیزه جنبش بود، به همکاری پرداختند. این همکاری و تعامل و همگرایی در توافق برای تسلط بر منابع ملی و منافع حاصل از آن بود که منتهی به قطع دست بیگانگان در امور داخلی کشور شود. بنابراین، در شکل‌گیری جنبش ملی شدن نفت و نقش طبقات در آن، طبقه بالای زمین‌دار، طبقه متوسط شهری سنتی و جدید به عنوان عاملان و کنش‌گران که انگیزه‌شان اعتراض به

وضعیت سیاسی موجود بود که پس از جنگ جهانی دوم، شرایط نامطلوبی را پشت سر گذاشته بود. در کنار این‌ها عواملی وجود داشت که گروه‌های مختلف را به هم مرتبط ساخت و منجر به جنبشی منسجم حداقل در ابتدای راه برای دستیابی به هدف ملی شدن نفت گردید. این عوامل همان‌طور که در این مقاله به آن پرداخته شد شامل ایده‌ها، شعارها و خواسته‌های گروه‌های مختلف برای بازسازی شرایط «نامطلوب» موجود به «مطلوب» بود. نکته اساسی در مورد طبقات اجتماعی فعال در نهضت ملی نفت، هم‌گرایی آنان در راستای تحقق اهداف نهضت بوده است. به این معنی که هر یک از اقشار و نیروهای فعال سیاسی و اجتماعی با توجه به برداشت خود از اهداف نهضت، در مبارزه شرکت کرده و در پیش‌برد آن نقش مؤثری داشتند. وقتی از گروه‌های مختلف دانشجو، کارگر، کارمند، بازاری، روحانیان و نیروهای حزبی یاد می‌شود، نشان دادن برتری نقش هیچ‌کدام بر دیگری مطرح نیست گرچه نقش پیشتاز روحانیت قابل کتمان نیست، بلکه دانشجو و دانش‌آموز با توجه به تأثیری که مضامین اهداف نهضت بر نگرش آنان داشته، فعالیت کرده و یا می‌توان به نقش فتاوی صادر شده روحانیان برجسته و مراجع دینی اشاره کرد که وظیفه هر فرد مسلمان را کوشش در راه اعاده حیثیت ملی از طریق حفظ و نگه‌داری استقلال و بیرون راندن نیروی خارجی دانسته و مردم را مکلف می‌کنند که در راه حاکمیت ملی و در دست گرفتن منابع و منافع ملی مبارزه کنند. بنابراین تمام اقشار با توجه به ابزارهای در دسترس خود و برداشت از مفاهیم اهداف نهضت با یک‌دیگر هم‌سو شده و برای تحقق اهدافی که در استقلال و حاکمیت ملی خلاصه می‌شد، فعالیت می‌کردند.

جنبشی چون ملی شدن نفت نیز مجموعه‌ای از افرادی که متعلق به طبقات جامعه هستند، آغاز شد. ایده و خواسته تصویب ملی شدن نفت به عنوان دست‌یابی به تسلط ایرانیان بر ایران از مشترکات طبقات اجتماعی معرفی شد، مشترکاتی که آن‌ها را در درون هم قرار نداد بلکه در کنار هم همراه ساخت، پشتیبانی یک‌دیگر را فراهم نمود و هر کدام از الگوی رهبری، عوامل شتاب دهنده اجتماعی، فساد حاکم، نبود آزادی، تسلط بیگانه و ایده‌ها بهره‌گرفت و با وجود بسیاری از ناکامی‌های جنبش در تقابل با استعمار خارجی که از اهداف مهم آن تلقی می‌شد، ناتوانی آن را در یک حرکت جمعی و همسوی طبقاتی به نمایش گذاشت.

## منابع

## الف) کتب فارسی

۱. اشرف، احمد و بنوعزیزی، طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی، تهران: نیلوفر، ۱۳۸۷.
۲. اشرف، احمد، موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران، تهران: انتشارات زمینه، ۱۳۵۹.
۳. آبراهامیان، یرواند، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۴.
۴. آشوری، داریوش، ایران شناسی چیست؟، تهران: آگاه، بی تا.
۵. بزرگمهر، جلیل، مصدق در محکمه نظامی، ج ۱، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۳.
۶. بشیریه، حسین، جامعه شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، تهران: نشر نی، ۱۳۷۴.
۷. بشیریه، حسین، جامعه شناسی سیاسی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۸.
۸. روحانیت و اسرار فاش نشده از نهضت ملی شدن صنعت نفت، به کوشش گروهی از هواداران نهضت اسلامی ایران و اروپا، تهران: انتشارات دارالفکر، بی تا.
۹. روحانیت و ملی شدن صنعت نفت، به کوشش جمعی از هواداران نهضت اسلامی ایران در اروپا، پاریس: بی نا، ۱۳۵۸.
۱۰. رهنما، علی، نیروهای مذهبی بر بستر نهضت ملی، تهران: گام نو، ۱۳۸۴.
۱۱. زاهد، سعید، جنبش های اجتماعی معاصر ایران، تهران: سروش، ۱۳۸۱.
۱۲. سوداگر، محمدرضا، رشد روابط سرمایه داری در ایران، تهران: شعله اندیشه، ۱۳۶۹.
۱۳. علم، مصطفی، نفت، قدرت و اصول، ترجمه غلامحسین صالحیار، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۱.
۱۴. کاتوزیان، محمدعلی همایون، اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیز، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۲ الف.
۱۵. کاتوزیان، محمدعلی همایون، مصدق و مبارزه برای قدرت، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: مرکز، ۱۳۷۲.

۱۶. کرایب، یان، *نظریه اجتماعی کلاسیک*، ترجمه شهلا مسمی پرست، تهران: آگه، ۱۳۸۶.
۱۷. کریمی، بهنام، *آسیب شناسی نهضت ملی*، تهران: قصیده سرا، ۱۳۸۵.
۱۸. کوهستانی نژاد، مسعود، *مجموعه اسناد و بیانیه های حزب ایران*، تهران: شیرازه، ۱۳۷۹.
۱۹. گازیورسکی، مارک، *سیاست خارجی امریکا و شاه، ایجاد یک حکومت سلطه بار در ایران*، ترجمه جمشید زنگنه، تهران: رسا، ۱۳۷۱.
۲۰. گیدنز، آنتونی، *جامعه شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، ۱۳۸۲.
۲۱. مقصودی، مجتبی، *تحولات سیاسی اجتماعی ایران (۵۷-۱۳۲۰)*، تهران: روزنه، ۱۳۸۰.
۲۲. مکی، حسین، *کتاب سیاه*، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۶۰.
۲۳. ملکی، خلیل، *وظیفه تاریخی جبهه ملی: برخورد آراء و عقاید*، با مقدمه محمدعلی همایون کاتوزیان و امیر پیشداد، تهران: مرکز، ۱۳۷۴.
۲۴. هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، *سرنوشت یاران مصدق*، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۸۴.

#### ب) مقالات

۲۵. افروغ، عماد، «طبقات اجتماعی در دوره پهلوی»، *فصلنامه راهبرد*، شماره دوم، (زمستان ۱۳۷۲).
۲۶. زاهد، سعید، «نظریه ترکیبی در مورد جنبش های اجتماعی»، *مجله فرهنگ و اندیشه سیاسی*، شماره ۲۷ و ۲۸، (پاییز و زمستان ۱۳۷۷).
۲۷. طبری، نقی، «گروه های کلیدی در نهضت مشروطه و ملی شدن نفت»، *مجله علوم سیاسی*، سال چهارم، شماره ۱۶، (زمستان ۱۳۸۰).

#### ج) روزنامه ها

۲۸. *روزنامه شاهد*، ۲۴ بهمن ۱۳۲۹.

#### د) کتب لاتین

29. Bill, J.A, "The Social & Economic Foundations of Power in Contemporary Iran", Middle East Journal, No.15, Vol.2, 1963.
30. Blumer, Herbert, "Social Movements", Lee, A.M. principal of Sociology Barnes and Noble, 1969.
31. Smelser, Neil J, "Theory of Collective Behaviour", London: Routledge Paul, 1962.